

آینده جنبش سبز در گرو رشد جغرافیایی، رشد اجتماعی و رشد کیفی آن است

مصاحبه: محمد محمدی با دکتر محسن سازگارا

Mohamdi_m1983@yahoo.de

جنبش دمکراسی فواهی مردم ایران که جنبش سبز نام گرفته است، فصلی پر فراز و نشیب از سن فود را سپری کرده است. فصلی که پر بود از سرکوب، ارباب، دستگیری، شکنجه، کشتن، تجاوز و دادگاه‌های نمایشی، اما هم پیمان زنده، متشکلتر و فعال تر در لایه های مختلف جامعه روشنگری می کند. هر گاه فرصتی برای ابراز اعتراض داشته، اعتراض کرده است. هفته گذشته روز قدس بود و مضمون میلیونی فود را به نمایش گذاشت، دیروز بازگشایی دانشگاه‌ها و فردا 16 آذر و سالگرد انقلاب مردمی 57. برای بررسی بیشتر نقش و فواسته‌های جنبش سبز روزنامه نگار محمد ممدی مصامبه‌ای تلفنی با د. ممدی سازگارا تحلیل گر سیاسی و مدیر مرکز مطالعات ایران معاصر در واشنگتن، اختصاصاً برای وب سایت روانیوز آماده کرده است که به بصورت ذیل می باشد.

قبل از هر چیز تحلیل شما از سفر پنجم آقای احمدی نژاد به نیویورک و دستاورد این سفر چگونه است؟

د. سازگارا: احمدی نژاد به این معروف است که هر جا دوربین تلویزیون مضمون داشته باشد دوست دارد او هم در آنجا حاضر باشد و دنبال درست کند تا مطرح شود. این بار هم همین کار را دوست داشت انجام دهد و اضافه بر آن راجب به شرایط فاص ایران ایشان دلش می فواست که بتواند در ارتباط گرفتن با دنیا در واقع به مردم در ایران بقبولاند که ما دیگر یک دولت تثبیت شده هستیم به این دلیل که دنیا ما را به رسمیت می شناسد. بخصوص آمریکایی ها را، امیدوار بودند که به سمت فودشون بکشانند و به این ترتیب به ملت ما بقبولانند که مشروعیت ضائل شده حکومت در ایران با توجه به رسمیت شناختن دنیا این جوری برگرفته است. اما به نظر من این سفر برای آقای احمدی نژاد درست تاثیر معکوس برای دولت کودتایی داشت. برای اینکه، اولاً ایرانی ها و بسیاری گروه‌های غیر ایرانی متمد و یک پارچه تظاهرات کردند و برای دنیا فرصتی شد که جنایتهای دولت کودتایی وکل رژیم را بهتر بشناسند. بخصوص با توجه به 3 ماه اخیر و موج مثبتی هم که در دنیا بود بیشتر پذیرایی این مرف ها بودند. نکته دوم: اینکه هیئتهای نمایندگی کشورها شاید کاری هم ترارز با مبارزات مردم کردند به این معنی که آنها هم در ضمن سازمان ملل جز 45 کشور یعنی از مجموع 192 کشور 147 کشور سالن را ترک کردند و بیرون رفتند. به قول مفسر تلویزیون سی ان ان یک رکورد در تاریخ سازمان ملل ثبت شد که رئیس یک دولتی مرف بزند و این تعداد کشور ضمن جلسه را ترک کنند. انزوی این حکومت بیشتر دیده شد. نکته سوم: اینکه در طول فاصله زمانی که در نیویورک بود بمث های راجب به داستان اتمی ایران و تک روی ها و آشفته بازاری که در حکومت ایران هست شد. سایت جدید اتمی تازه‌های مخفیانه درست شده بود که آنها فاش شد. در مصامبه

با امدی نژاد معلوم شد که مساجی ایشان جا خورد و گویی که غافلگیر شده باشند و به ته افتاد و نتوانست توضیح بدهد. بلافاصله هم بعدا در اجلاس جی تو یعنی سران 20 کشور صنعتی دنیا مواضع تندی در مقابل ایران گرفتند و بیش از پیش حکومت ایران را منزوی کرد. لذا من سفر ایشان و اهدافی را که داشت کاملا ناموفق می بینم و اتفاقا تاثیر محکوس داشت. با توجه به کشف محل دوم غنی سازی اورانیوم و مذاکرات اول اکتبر تعامل غرب با جمهوری اسلامی در آینده چگونه خواهد بود؟

د. سارگاز: بهرمال برای اولین باری است که این کشورهای موسوم به 1+5 توانستند که روسیه را هم با فودشان هماهنگ کنند. روس ها به دو دلیل با آمریکایی ها و 3 کشور اروپایی همسو شدند. یکی بدلیل مبارزات مردم در ایران برای اینکه چند میلیون آدم که در فیلیپین شکار مرگ بر روسیه سر بدهند برای هر کشوری ترسناک است از جمله برای رهبران روسیه، و متوجه شدند که ادامه پشتیبانیشان از کودتا و کودتای ها برای آینده ایران دمکراتیک بقدر فطرناک و مضر است. نکته دوم: تغییر سیاستهای آمریکایی ها بوده است که از زمان سر کار آمدن دولت آقای اوباما، البته قبلا هم بوده ولی سیاست این دولت این بوده که از روسها دلجویی کنند جزیبشان بکنند، لذا یکسری بده بستانهای اینها با هم داشته اند که مجموع این دو عامل باعث شده است که روسها هم با سایر کشورها با فشار آوردن بر حکومت ایران در داستان اتمی همسو بشوند. لذا فکر می کنم که الان بیشتر مشغول فشار آوردن بر روی چین از طریق کشورهای عربی هم هستند. اجلاس 1+5 در روز پنجمشبه اول اکتبر دولت کودتایی را و سپاه پاسداران را که پشت این دولت ایستاده و در واقع در این ماجرا بازیگر اصلی است به آمپاس و بن بست قرار می دهند که شاید تنها راهی که برای حکومت وجود داشته باشد کماکان دفع الوقت باشد که این هم تا الان من می بینم دیپلماتهای دنیا این را می گویند که راه دفع الوقت را می بندند لذا حکومت وسط یک دوراهی قرار دارند. باید الما قیه ام پی تی را امضا کند و از شکارهای چهار سال گذشته عدول کند که آن وقت فسارت بزرگی را هم به لفاظ پرستی و در مقابل ملت فواید بود که این همه انرژی کشور را تلف کرده است و یا اینکه بفواید ایستادگی کند که آن وقت احتمالا با تمریم های تند و تیزی مویه فواید بود.

تا چند تمریم ها می تواند نتیجه بخش باشد. کما اینکه در ۳ قطعنامه پیشین شورای امنیت بیشتر فشارهایش بر روی مردم بوده تا خود حکومت؟

البته تمریم های قبلی که به تصویب شورای امنیت رسیده اند فیلی تمریم ها آگی بوده است در مد اسامی چند نفر یا چند تا بانک یا چند تا شرکت، لذا نه روی حکومت فیلی تاثیر جدی داشته نه روی مردم، فیلی تاثیری نداشته است. ولی این بار اگر تمریم ها یا هر تمریمی، حکومت گرها را بتواند تمت فشار بگذارد مثل اینکه مثلا سفرهایشان را محدود کند، مسابهای بانکیشان در دنیا را مسدود کند آن پولهایی که توانستند از کشور خارج کنند و در بانک های دنیا قایم کنند آنها را بلوک کنند، باید حکومت را در مجامع بین المللی ممروم کنند و نهایتا منابع مالی که با آن اسلمه می فرند، گلوله می فرند، میزنند مردم را می کشند و فشنونت می کنند محدود بکنند. به نظر من کار مثبتی است در هر صورت به نفع مبارزات مردم، دنیا هم حرکت کرده است. اگرچه مردم ما در مبارزه فودشان منتظر دنیا نشده اند و فواید شد و مبارزات فودشان را ادامه می دهند ولی باید صورت فشن کودتایچیان را نشان داد و بتوانند گریباننش را بگیرند، منابعش را محدود بکنند فکر کنم مثبت است. به نفع مردم است اگر چه ممکن است که به هر حال تاثیراتی بر روی زندگی

عادی مردم هم بگذارد ولی مردمی که حاضرند کشته شوند، زندانی و شکنجه شوند و نمی ترسند. روز قدس دوباره میلیونها نفر در فیا بانها فودشان را نشان دادند ممتا سفتی ها و پاین بالا را هم تممل می کنند که اینکه نهایتا بتوانند از شر یک دولت اقتدارگرای سرکوب گر فلاص شوند. حکومت بدون در نظر گرفتن اعتراض مردم به تقلب در انتخابات دولت خود را تشکیل داده است، حال با این وجود خواسته های اصلی مردمی که روز قدس فریاد مرگ بر دیکتاتور سر می دادند چی است؟ د.سازگار: بطور طبیعی الان فواسته مردم همان است که از روز اول بوده است رای من کجاست. رایم را پس بدهید و این رایم را پس بدهید هیچ تفاوتی هم نمی کند، دولت تشکیل شده، یک تملیف قلابی هم گرفتند آقای فامنه ای هم اسرار دارد که بیاید همه چیز عادی شده مثلا مردم بیاید سرکارتون، اصلا هیچی هم عادی نشده است. تا این دولت کودتاه، اجنبی سافته سرنگون نشود، پایی نیاید و دولت قانونی آقای موسوی که رای این ملت را دارد نرود آن بالا بشیند مبارزه ادامه دارد. بنابراین کما کان شعار مموری اعتراضات مردم سرچایش است. همین شعارهای مثل مرگ بر دیکتاتور و امثال آن در واقع ترجمانی از فواسته های مموری که همه سر آن متمد هستند دارد. البته برای کسی که اگر عقایدی دیگری دارد نکات دیگری هم دارد آن عقایدش را بیان کند این مق ممفوض است. ولی آنچه که همه گان برایش اجماع دارند دولت غیر قانونی، اجنبی سافته و کودتایی باید منمل و دولت قانونی آقای موسوی که رای مردم را پشتوانه فود دارد سر کار برود. و کودتاییان ماکمه شوند.

آیا قبول کردن دولت آقای موسوی به معنایی پیروزی جنبش و رسیدن به همه خواسته هایش است؟

د.سازگار: ببینید فواست جنبش این است، اما از فودم بگویم که از کسی دیگری مایه نگذاشته باشیم. با مفظ مشارکت در تمقق این فواسته مرمله ای همراه با بقیه مردم فواست فودم را هم داریم که طبیعتا در این مرمله فواست فودم را دنبال فواهم کرد. منظورم این است که قانون اساسی کشور و کل سافتار کشور باید عوض شود. برای اینکه من بر فلاف آقای مهندس موسوی معتقدم که قانون اساسی هیچ ظرفیتی در جهت تمقق فواسته های دمکراتیک ملت را ندارد. در واقع بنیان تئوریک و سافتاری قانون اساسی هیچ ظرفیت دمکراسی ندارد. من یا فیلی از کسان دیگر با دلایل دیگر می توانند فواسته های فودشان را پیگیری کنند. برای اینکه جنبش در واقع پلورالیستی تکثرگرایانه و گرایشات مختلف با هم دیگر مرکت می کنند ایراد هم می گیرند. که اگر ائتلاف نظری هم وجود دارد صرفا دمکراتیک و با ماکمیت صندوق رای مل شود. بنابراین الان هدف مرمله ای جنبش پایی کشیدن دولت آقای اممدی نژاد و بر کرسی نشاندن آقای موسوی بعنوان مق ضایع شده مردم است. اما این مق برای همه کسانی که در کشور هستند مشترک است. و بعدا باید فواسته های فودشان را مطرح کنند. و از طریق رای و رای گیری و دمکراتیک در واقع پیگیری فواسته ها و مطالبات فودشان هم باشند.

آیا این پیگیری ها در دولت آقای موسوی به نتیجه می رسد؟

د.سازگار: بله ممتا چون وقتی که آقای اممدی نژاد را صلب کنند و آقای موسوی رئیس جمهور شوند آن چیزی نیست جز تبلور فواست ملت و رای ملت. بنابراین بعد از آن هم این رای ملت کماکان ماکم بین دولت و ملت است و ایشان نمی تواند از فواست اکثریت تفضی کند.

تأکید بر محدود ماندن در چهارچوب جمهوری اسلامی و قانون اساسی آن، خواه به صورت یک تاکتیک و خواه به صورت استراتژی، از سوی آقای موسوی و آقای کربوی باتوجه به سرکوبهای شدید، دادگاه

نمایشی و تقریباً کنار گذاشتن اصلاح طلبان از قدرت تا چند می تواند سیاست درست برای رهبران
ساخته شده کنونی جنبش باشد؟

د.سازگار: ببینید شما نمی توانید توقع داشته باشید که زیر این فشارها صمبت از تغییر قانون
اساسی بکنند من که الان این مرفها را می زنم جای امنی نشستم این ها را می گویم ایران که
بودم نوشتم و گفتم زندانیم کردند و 6 سال زندان محکوم کردند. بنابراین تاملآ آقایان چگونه
مرف بزنند طبیعتا باید در چهارچوب قانون اساسی باشد. ولی هیچ تفاوتی نمی کند آقای مهندس
موسوی، آقای کروبی و دیگران چه اعتقادی به چهارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی داشته
باشند یا نداشته باشند. آن نکته ای که عرض کردم و لان همگی برآن مشترکیم، مق ضایع شده
مردم را، که رایشان است برگردانند و بعداز آن ائتلاف نظر ها از مجاری رای و دموکراتیک می
توانیم بین فودمان مل کنیم.

در تظاهرات روز جمعه هم شاهد بودیم که این جنبش آنچنان که باید فراگیر می شد نشده، یعنی هنوز
از نعمت شهر های کوچک و روستاها بی بهره است، چرا؟

البته در تظاهرات روز قدس بر خلاف روزهای اول حرکت اعتراضی مردم، جنبش در شهرهای مفتلف
فودش را نشان داد. قبلا هم به اصطلاح گسترده جغرافیای فودش را نشان داده است ولی این
درست است اما زمان امتیاج دارد. جنبشی که سه ماه از عمر آن می گذرد باید یک مقداری کار بکند
و طرفداران فودش را در شهرهای کوچک و بخصوص روستاها پیدا کند. به نظر من رشد جغرافیایی
جنبش یکی از نیازهای جدیش است ولی یک مقدار زمان، برنامه ریزی و کار لازم دارد.
به نظر شما توازن قدرت میان جنبش و حکومت به چه صورت است؟

د.سازگار: آقای فامنه ای در نماز جمعه ای که در ماه رمضان برگزار کردند مدعی شد که کسی که
جلوی نظام بایستد هلاک می شود. باید به ایشان تاکید کرد تمام نظامهای که جلوی مردم
ایستادند هلاک شدند وقتی اکثریت مردم ایستاده اند و می گویند ما کارهای آقای فامنه ای و
دارودسته کودتاچیان را نمی فوایم، شما شک نداشته باشید که دیرو زود دارد اما سوخت و سوز
ندارد. نظامهای این گونه اگر با مردم مقابله بکنند سرنگون می شوند ولی (روش ها و کارها بمت
مفصلی است. همه ماجرا این نیست که مردم به فیابانها بریزند تظاهرات کنند و حکومت سرنگون
بشود نهایتا این حکومتها وقتی سرنگون می شوند که مشروعیت زدایی از آنها شده باشد. ائتلاف
در چهارچوبش ایجاد شده باشد. بخصوص در اصل قدرتش فلج سازی ایجاد شود که نتوانند جامعه را
اداره کنند. جهت عمومی آکسیون های انجام می گیرد به این سمت است. تا به مال هم فکر کنم
جنبش در موزه مشروعیت زدایی موفقیتهای بسیاری فوبی بدست آورده است.

در ماهای اخیر آقای کروبی با توجه به افشاگری های که کردند ناخواسته نقش رهبری جنبش را ایفا
می کنند حتی او اولین کسی بود که درخواست شرکت مخالفان دولت را در تظاهرات قدس را داده
بود، نظر شما چیست؟

د.سازگار: به نظرم اطلاق نقش رهبری به یک فرد فاصی اساسا با روح این جنبش سازگار نیست. این
جنبش از روز نخست هم این اصل را بکار برده است که در واقع مدل پدران ما در استبداد صخیر یا
مدل کنگره ملی در آفریقای جنوبی داشته است. کارکردش بیشتر است. به این معنی که هر رهبر
یک سرباز و هر سرباز یک رهبر. بنابراین اینکه بگویم امروز آقای موسوی رهبر است فردا آقای
کروبی است یا فردا دیگری، به نظر من مدل سازی غلطی است. آقای کروبی دلوار جنبش سبز که

به مق قدم های قوی و مهمی را برداشته است. آقای موسوی هم رئیس جمهور منتفبی که مق ضایع شده ملت است. ولی رهبر واقعی این جنبش مردمی هستند که در فیابان هستند و بسیار آگاهانه عمل می کنند. بلوغشان را به فوبی نشان داده اند و به فوبی ثابت کردند که هر یکی از آنها در فیابانها بخصوص خانمها یک رهبر هستند. به نظر من خانم ها قوی تر از آقایان نشون دادند که هر کدام از آنها به مق نقش رهبری دارند و با هوشیاری و آگاهی قدم بر می دارند.

آیا آقای موسوی یا هر شخصیتی که حکومتی بوده و هم اکنون در گروه اپوزسیون دولت، می تواند نماینده خواسته های همه قشرها و ملت های ایرانی باشد؟ با توجه به سابقه زمامداری این دوستان در رژیم؟

د. سازگار: نه الزاماً، هیچ ضرورتی هم ندارد که هر فردی که در این جنبش است نمایندگی کننده همه گروه های شرکت کننده در این جنبش باشند. همه چیز را به قول ارستو همه گان دانند. همه مردم در میدان هستند مجموعاً نماینده فواسته های همه گانند. البته آدمها در طول زمان دچار تمولات می شوند و به فواسته های مختلف نزدیک می شوند. مهم این نیست که یک نفر منعکس کننده فواسته های همه گان باشند. فرض کنید بنده نمی تونم در عین مال فواسته های طرفداران سلطنت را، هم فواسته های طرفداران جمهوریت سکولار و هم فواسته های جمهوریت اسلامی را منعکس کنم. طبیعتاً باید منعکس کننده یکی از این فواسته ها باشم. اما مهم این است که من و دیگری و دیگری یاد بگیریم که با مفظ مواضع و فواسته های فودمان کنار هم بایستیم و در کنار هم دیگر برای هدف مشترک مبارزه کنیم، و ائتلاف نظرهایمان را از مجرای دموکراتیک و رای گیری مل کنیم. این به نظر من اتفاق مبارکی است که در این جنبش تا بمال اتفاق افتاده است و از این به بعد هم انشاء الله فواهد افتاد.

دلیل غیر متمرکز بودن رهبری جنبش را در چه دلایلی می بینی، آیا این غیر متمرکز بودن رهبری خود سدی در برابر فراگیر شدن جنبش نیست؟ مثلاً نبودن سیاستی مشخص و رهبری مشخص؟

د. سازگار: سیاست مشخص و روشنی دارد، پرا فکر می کنید که سیاست روشنی ندارد. اتفاقاً جنبش شعار روشنی دارد، شعار مرمله ای دارد. فواست های دارد و مول فواست مموری فود جنبش متشکل است و هویتی فاص فودش را هم دارد. علامت و رنگ مشخص دارد. ولی چون تازه بدنی آمده است باید رشد کند. این مدل استبداد صغیری یا مدل کنگره ملی آفریقایی جنوبی اتفاقاً در این جنبش فانشنال است، کارکرد بهتری دارد و از قضا این کارکرد تا اینجا نشان داده است که موفق بوده است. برای اینکه اگر جنبش یک گروه اندکی بودند که همه کارها را می کردند (رژیم در اولین قدم همه را دستگیر می کرد و سرکوب می کرد. اتفاقاً در این گسترده گی جنبش است که سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی را در سیاست دستگیری رهبران با شکست مواجه کرده است. آنان فکر می کردند که با دستگیری رهبران می توانند جنبش را ساکت کنند اما همین غیر متمرکز بودن رهبری باعث شده است نه تنها ساکت نشده بلکه کادرهای جدیدی بهش اضافه می شود و آکسیونهایش انجام می گیرد. کما اینکه در روز قدس هم سپاه پاسداران قول داده بود به آقای فامنه ای آنپنان سرکوب کرده است که کسی به فیابان نفواهد آمد. ولی با کمال تعجب دیدند که میلیونها ایرانی به فیابان آمدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. فکر نکنید همین طوری اتفاق افتاده است. این کاملاً نشان می دهد که نیروهای کارآمدی در جای جای جامعه فعالیت می کنند و با همین متود غیر متمرکز جنبش را پیش می برند.

اتحاد سازگاری که اگر بگویم هم اکنون در بین نیروهای اپوزسیون اعم از خارجی و داخلی پیش بیاید بازهم همان رفتن به همان راه انقلاب و تکرار دیگری نیست (در فردای پیروزی حذف همدیگر)؟

د.سازگار: نفیر. ماهیتا اختلاف دارد. اینکه نیروها متمد باشند در جریان تمق یک فواسته کار مثبت و درستی است که نه در ایران هرکجای دیگر دنیا یکی از پیش شرط های پیروزی این جنبش ها بوده است. به ممض اینکه اختلافات بروز بکند، جنبش ضعیف می شود و سرکوب می شود. بنابراین نفس اتماد کار بسیار فوبی است و تا اینجا تمق پیدا کرده است. ولی اینکه آیا فرض کنیم جنبش به پیروزی برسد این فواست مرمه ایش را بگیرد و قدمهای بعدیش را بفواهد پیش ببرد، آیا این باعث دعوا فواهد شد. آیا تکرار موادث به این معنی که همدیگر را سرنگون و سرکوب کنند، بکشند، مذف کنند، آیا این اتفاق فواهد افتاد؟ فکر نمی کنم. برای اینکه در جریان انقلاب اسلامی گروه های شرکت کننده بینش ایدولوژیکی داشتند که هر کدام فودشان را مق می دانستند و بینش دمکراتیک و پلورالیستی و تکتز گرایی در واقع در آن مقطع غایب بود. فوش بفتانه الان جز گروه های بسیار اندک واقعا بسیار اندک و آنهم فارغ از ایران من ندیدم که کسی ماضر نباشد که کنار دیگری نشنید و هم کاری نکند. ما می بینم آگاهانه نیروهای شرکت کننده به پلورالیزم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قائل، و دیگران را به رسمیت می شناسند و باورشان این است که می توانند با رای و رای گیری مشکلات فودشان را مل کنند. من فکر می کنم بهترین نمونه اش روز قدس اتفاق افتاد که مردم ایران با وجود اینکه یک اکثریت متلق در فیابان بودند. اما در مواجه با طرفداران (ژیم، با بژگوارو مرف و شاعر) هایشان را تممل کردند اجازه دادند مرفشان را بزند. بدون اینکه درگیری فیزیکی ایجاد کنند. من فکر می کنم این نماد فیلی فوبی از دمکراسی است که ما در پی تمق آن در جامعه ایرانی هستیم. که اقلیت هر مقدر هم نا میز باشد مق مرف زدن را داشته باشد و باید تممل شود می اگر طرف دار ولایت فقیه هم باشد. مادامی که مرف می زند باید اجازه داد. در فردای ایران هم طرفداران ولایت فقیه می توانند مزب فودشان را درست کنند و فعالیت سیاسی داشته باشند. فکر می کنم چون بنیاد این جنبش به لفاظ مواضع نظری با بینش ایدولوژیک انقلاب اسلامی اختلاف دارد، امیدوارم آن موادث تلغ این بار تکرار نشود.

نقش اپوزسیون خارج از کشور در اعتراضات اخیر چگونه بود؟ بنظر شما با توجه به دستگیری ها و سرکوب های شدید داخلی اپوزسیون خارج کشور چکار باید بکند؟

د.سازگار: تا اینجا کار اپوزسیون حکومت در فارغ نسبت به کشورهای مشابه مثل کودتاه یونان یا کودتاه در آرژانتین، شیلی، ایرانیان در فارغ از ایران این بار بهتر و قوی تر کار کردند و مجموعا می توان گفت مرکت موفق بوده است. ضمن اینکه نمایشی فوبی هم از همین بمثهای که داشتیم توانستند به دنیا نشان بدهند. در کل اپوزسیون حکومت در فارغ سه ماه بسیار موفق را پشت سر گذاشته است. بستگی دارد در عمل مقدر مفید باشد، آنچه اگر راهبری اسمش را بگذاریم و کمک کردن به مرکت مردم موضوعی نیست که تممیلی و زوری باشد. بسته به عملکرد دارد. اگر نیروهای که در فارغ هستند در عمل به جنبش دافل، غییر از پشتیبانی عمومی که تا اکنون کرده اند و می کنند بتوانند مشارکت اجرایی و راهبری هم داشته باشند، بله می توانند نقش پررنگی را بازی کنند. دقیقا با همان متود هر رهبر یک سرباز و هر سرباز یک رهبر. هر فعال و مبارز فارغ از کشور هم بهرمال با کاری که می کند می تواند نقش بازی بکند و هر مقدر هم فعالتر باشد نقشش هم پررنگتر فواهد بود. باید دید هرکسی با توجه به شرایطش چکاری می تواند انجام دهد.

از لحاظ محتوی تظاهراتی خارج از کشور چگونه بود؟ بخصوص در روزهای آخر آن موضوعی به نام پرچم سبز و نیاوردن پرچم حزبی مطرح شد تا جایی که در یکی دو تا از کشورها گروهی به نام سبز و گروهی به نام اپوزیسیون هم جداگانه در یک روز و در یک شهر تظاهرات کردند؟

د.سازگار: اصولاً هر شعار غییر از آن فواسته مموری که جنبش دارد و این فواسته مرملة ای جنبش است یعنی رای من را پس بدهید مطرح شود بنظر من می تواند بمث انمرافی باشد. و فواسته یا نافواسته آب به آسیاب کودتایی ها می ریزد. اگر کسی پیدا شود بگوید این پرچم من باید باشد و آن پرچم نباشد، بنظر من بمث های انمرافی است. این جنبش اگر بفواهد در آینده گزار درستی به دمکراسی داشته باشد. این دمکراسی را هم باید در مرملة پیروزی هم تمرین کند. از ملضومات این تمرین است که عقاید مختلف، گرایشات مختلف، پرچم های مختلف، آرم های مختلف و باورهای مختلف را بتوانند کنار هم دیگر بشینند و باهم حرکت کنند و همدیگر را هم تممل کنند و یاد هم بگیرند با همدیگر همکاری بکنند. غییر از پاره ای از استثنائات مالا شما یکی دو تا را سراغ دارید من هم واقعا دو سه مورد ندیدم. در کل باید نمره فوبی به ایرانی ها خارج از کشور داد. که توانستند با هم دیگر حرکت کنند. بعضی ها هم دانسته و یا ندانسته به دام راه های انمرافی افتاده اند بهتر است که کمی دقت کنند. و بیفودی افتلاف ایجاد نکنند. هیچ اشکالی ندارد که هر کس با هر گرایش و هر ایده و هر پرچم و علامتی می تواند در این جنبش دمکراسی فواهی مردم ایران شرکت کند.

آینده جنبش را چگونه می بینی؟ آیا در سالگردهای که در هفته های آینده در پیش است تظاهرات میلیونی برگزار خواهد شد؟

د.سازگار: بستگی به برنامه ریزی ها و فعالیت های دستندکاران جنبش دارد و مسیر حوادث. معمولاً در سیاست آنهم ایران که سرزمین تظاهرات بزرگ و اتفاقات غییر منتظره است نمی شود پیش بینی های دقیقی کرد. ولی آینده جنبش فقط در گرو تظاهرات میلیونی هر از چند گاه نیست. کارهای دیگری است که جنبش آنها را به همان اندازه واجب است که تظاهرات میلیونی واجب است. مثل رشد جغرافیایی که صمبتش را کردیم، رشد جنبش در بین طبقات دیگری اجتماعی، کارگران، معلمان، دانشجویان، تکنکراتهای شهری و روستاها و غیره. مثل رشد کیفی جنبش، یعنی آکسیونهای جدید و تشکیلات پیدا کردن و منسجم تر شدن حرکت هایش. اینها هم، نکاتی است که اهمیتش کمتر از تظاهرات میلیونی نیست. بنابراین من فوادم شفصا مواسم بیشتر پی این مسائل است که جنبشی که تازه متولد شده است. مانند کودکی فردسال است که باید تبدیل به جوان نیرومند و قوی شود که بتواند پیش رود. ضمن اینکه آکسیون های دیگری مثل نافرمانی مدنی در جامعه بفش دیگری است که در خدمت فلج سازی دولت کودتاه باید قرار بگیرد. نافرمانی های مدنی بفش بزرگی است که الان به صورت پاره ای از تمریم ها از سوی مردم، مانند رنگ سبز و شعار نویسی انجام می گیرد، اینها هم تاثیرات فودش را دارد. امیدوارم هرچه بیشتر بتوانیم اینها را هم توسعه دهیم.

به نظر شما چه سیستمی برای آینده ایرانی آزاد می تواند ظرفیت همه خواسته های ملت های ایران را داشته باشد؟

د.سازگار: من شفصا طرفدار یک دمکراسی لیبرال پارلمانی برای سیستم حکومتی هستم. دمکراسی به معنایی درک دمکراسی، فواسته اکثریت، مق اقلیت برای اظهار نظر و مخالفت و جابجایی قانونمند و صلح آمیز قدرت. این یعنی عزل قانونی حکومت گرها با حداقل فسارت. این سه اصل

دمکراسی به عنوان سافت‌وار مکتومی، لیبرالی بودن به معنایی این‌که مبتنی بر عقل و عقلانیت مدرن باشد. لائیک به معنای مکتومی فرا دینی باشد. یعنی حکومت نسبت به دین و ایمان مردم بی طرف باشد و نهادهای مکتومی و قدرت را هم از دل نهادهای دینی بیرون نیاورد. بنابراین لیبرالیسم به معنی اعمش مراد من است. لیبرالی سیاسی، پلورالیزم فلسفی که بمثی مفصل است. پارلمانی باشد که بنظر من سیستم های پارلمانی بفرصت و وقتی به سمت پارلمانهای ایالتی برود مذاکرات اختیار را به ایالت‌های مختلف به استانیها و پارلمانهای استانی بدهد و پارلمان ملی هم در واقع نهایتاً تبلور فواست عموم باشد سیستمی مناسبی است که مذاکرات نزدیکی را، فواسته‌های عموم را برآورده کند. لذا مکتومی عقلی در واقع این دنیای، علمی، فرا دینی، دمکراتیک و پارلمانی بنظر من بیشترین ظرفیت برای پاسخگویی به فواسته‌های ملت را دارد. البته این راهم نباید فراموش کنیم که فقط سافت‌وار مکتومی نوشته شده بر روی کاغذ نیست که ما را به مراد خودمان می رساند بلکه محافظت و نهاد سازی، کار کردن روی آن است که احتمال دارد سالها طول بکشد.

چقدر به آینده دمکراسی خواهی مردم در ایران امیدوار هستی. با توجه به تجربه ۳۰ سال گذشته و حرکت های مدنی که شاهد بودیم؟

د. سازگار: بسیار زیاد. من یک مقاله‌ای چهار سال پیش با زبان انگلیسی به نام راه بی بازگشت ایران به دمکراسی نوشتم، در آن مقاله مفصل توضیح دادم چرا در درون جامعه ما از انقلاب مشروطه تا اکنون برای اولین بار پتانسیل های زیادی بوجود آمده است. که راه ما را به دمکراسی هدایت می کند و انشالله اینبار بی بازگشت می کند. متأسفانه توضیح بیشتر الان در وقت مصامبه نمی گنجد اما براساس بحث های که قبلاً نوشتم بسیار خوشبینم. همچنان که قبلاً هم گفتم باید همگان برایش تلاش کنند به اصطلاح، پندیدن و چند سال درفت نوپای دمکراسی آبیاری و مواظب لازم دارد.

گفته‌های آخر شما را می شنویم؟

عرض فاضلی ندارم امیدوارم که دست در دست هم دیگر بتوانیم پیروزی را برای ایران و ایرانی ها کسب کنیم. انشالله